

شماره: ۳۰

۲۷ سوال المکرم ۱۴۲۶

## مجموعه مباحث اخلاقی

استاد معظم

حضرت آیت الله یثربی کاشانی «دامت برکاته»

ترس از عقاب

یا خوف از کراهت محبوب؟



الحمد لله ربّ العالمين وصلّى الله على سيّدنا محمّد وآله الطاهرين  
ولعنة الله على أعدائهم أجمعين .

«إلهي أتراك بعد الإيمان بك تعدّني أم بعد حبّي إياك تبعّدني أم مع  
رجائي لرحمتك وصفحك تحرمني أم مع استجارتني بعفوك تسلمني حاشا  
لوجهك الكريم أن تخيّبني» این مناجات ، مناجات الخائفین است و بلافاصله  
بعد از آن مناجات الراجین است و این همان خوف و رجائی است که توصیه  
شده است .

در روایتی از معصومین علیهم السلام و هم در کلمات حکیمانه لقمان به این  
مطلب اشاره شده که در قلب مؤمن دو نور وجود دارد ؛ نور بیم و نور امید «نور  
خيفة ونور رجاء»<sup>(۱)</sup> و این خوف به حسب آیه شریفه لازمه ایمان است ﴿إِنَّمَا  
الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ﴾<sup>(۲)</sup> همانها که چون نام خدا برده  
می شود ، دلهایشان پر از خوف پروردگار می گردد .

ترس از این است که خدایا ! با اینکه مؤمن هستم باز هم گرفتار عذاب

۱- أصول کافی ، ج ۲ ، ص ۷۱ ، حدیث ۱۳ .

۲- سوره حج ، آیه ۳۵ .

شوم. لازمهٔ ایمان جتت است نه دوزخ، لازمهٔ دوست داشتن وصال محبوب است نه دوری از وصل، لازمهٔ امیدواری اعطاء است نه حرمان. خدایا ما مؤمنیم بنابر این بهشت تو را می‌خواهیم، خدایا ما به حکم مؤمن بودن دوستدار تو هستیم. چون تو را دوست داریم طالب وصال تو می‌باشیم.

در دعای کمیل می‌خوانیم: خدایا اگر ما را به جهنم بفرستی از آتش عذاب تو غصه نمی‌خوریم؛ بلکه از این مسئله ناراحت هستیم که آتش، جایگاه کافران و دشمنان توست و من در آنجا از تو دور هستم و با دشمنان همنشین می‌گردم.

به هر حال مسئلهٔ خوف و آنچه که در این کلمات زیبا و دلنشین که از دل بر آمده است می‌بینیم همهٔ اینها ناظر به یک نکته است. مؤمن با همهٔ ایمان باز هم دلش لرزان است، باز هم خائف است. نکته مهم در مسئله خوف مومن این است که او از چه چیزی خائف است؟ از چه امری اخافه و انداز شده؟

### انذار در کلام الهی

در آیات کریمهٔ قرآن تعبیر «انذار» متعدّد داریم. به عنوان نمونه به تعدادی از این آیات اشاره می‌کنیم ﴿إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ﴾<sup>(۱)</sup> ﴿إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَنَرَاهُ قَرِيبًا﴾<sup>(۲)</sup> با دقت در دو آیه فوق

۱ - سورهٔ معارج، آیه ۶ و ۷.

۲ - سورهٔ نبا، آیه ۴۰.

خداوند سبحان ما را از عذابی سخت که به لحاظ زمانی آنچنان هم دور نمی‌باشد، می‌ترساند. حالا چرا باید از عذاب بترسیم ﴿يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ﴾<sup>(۱)</sup> خداوند در این آیه علت اساسی ترس را اعمالی می‌داند که بندگان در طول حیات، قبل از خود به سرای دیگر فرستاده‌اند.

آنچه درو خواهیم کرد، محصولی است که با اعضا و جوارح خود تدارک کرده‌ایم. تمام اعضاء ما از دست و چشم گرفته تا قلب و روحمان در این اعمال سهیم هستند.

شأن قرآن و رسول الله ﷺ هر دو انذار است. در سوره مبارکه دخان می‌فرماید: ما قرآن را در شبی پر برکت نازل کردیم؛ ما همواره انذار کننده بوده‌ایم: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ﴾<sup>(۲)</sup> بنابر این قرآن برای انذار است. ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا﴾<sup>(۳)</sup> یعنی ای پیامبر همانا ما تو را جز به عنوان بشارت دهنده و انذار کننده نفرستادیم. اما قرآن و رسول الله ﷺ از چه انذار فرموده‌اند؟ ﴿لِيُنذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ﴾<sup>(۴)</sup> یعنی مردم را از روز ملاقات بیم دهد. در ﴿يَوْمَ التَّلَاقِ﴾ چه اتفاقی می‌افتد که باید از آن بیم داشت.

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ \* يَوْمَ تَرَوْنَهَا

۱- سوره نبا، آیه ۴۰.

۲- سوره دخان، آیه ۳.

۳- سوره فرقان، آیه ۵۶.

۴- سوره غافر، آیه ۱۵.

تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا ﴿١﴾ ای مردم! از عذاب پروردگارتان بترسید، زلزله رستاخیز امر عظیمی است! روزی که آن را می بینید، آنچنان وحشت سرا پای همه را فرامی گیرد که هر مادر شیر دهی، کودک شیر خوارش را فراموش می کند؛ و هر بارداری جنین خود را بر زمین می نهد. روزی که همه در پیش داریم از آن به یوم التلاق یاد شده است. یکی دیگر از نامهای روز قیامت که در سوره حج به آن اشاره شده «یوم الحسرة» است. ﴿أَنْذَرْتَهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ﴾ (۲) ای پیامبر مردم را از روز حسرت که برای همه مایه تأسف است بترسان. نام دیگر یوم الازفة می باشد. ﴿وَأَنْذَرْتَهُمْ يَوْمَ الْآزِفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاطْمِينٍ﴾ (۳) و آنها را از روز نزدیک بترسان، هنگامی که از شدت وحشت دلها به گلوگاه می رسد و تمامی وجود آنها مملو از اندوه می گردد. همه این اسامی یوم التلاق، یوم الازفة، یوم الحسرة و یوم الزلزال حکایت از واقعه ای خاص دارد.

در آیه شریفه سوره مبارکه حج که به آن اشاره شد به روشنی قسمتی از صحنه قیامت را توصیف می نماید. علقه مادر و کودک کاملاً روشن است. علاقه و احساس مسئولیت مادر نسبت به نوزاد یکی از الگوهای بارز ایثار و فداکاری می باشد. اما علیرغم این رابطه خداوند می فرماید در روز رستاخیز وضعیت بگونه ای می گردد و مادر آنچنان به خود مشغول می گردد که کودکش

۱- سوره حج، آیه ۱ و ۲.

۲- سوره مریم، آیه ۳۹.

۳- سوره غافر، آیه ۱۸.

را کاملاً فراموش می‌کند. در فراز دیگر آیه این گونه اشاره شده که هر بارداری نیز بار خود را بر زمین می‌گذارد و این وضعیت معلول ترسی است که حاکم بر صحنه قیامت می‌باشد. در فراز پایانی، خداوند رسول الله ﷺ را مخاطب قرار می‌دهد و می‌فرماید: تو در آن روز مردم را مست می‌بینی. علت این مستی و سر درگمی، همانا عذاب قریب الهی است. خوفی که به آن در روایات و ادعیه اشاره شده است، ظاهراً به همین وضعیّت باز می‌گردد.

امام علیؑ در این عبارت می‌فرمایند «أَم بَعْدَ حَبِيّ إِيَّاكَ تَبَعْدَتِي» از این تعبیر امام این گونه استفاده می‌شود که یکی از مجازاتها همان دوری از ذات اقدس ربوبی است. امام در این عبارت می‌فرمایند: پروردگارا آیا ممکن است بعد از آنکه من شیفته‌ات شدم و به تو علاقمند شدم، تو مرا از خود دور کنی؟ گویی جهنم جایگاه کسانی است که از رحمت پروردگار دور هستند.

کسی که مدّعی محبّت است وقتی در مقابل محبوب ایستاد، از شماتت‌های محبوب خائف است، از محاکمه محبوب خائف است.

یکی دیگر از علل خوف از آخرت، ترس از رسوایی است. ترس از روزی که هیچ چیز در پس پرده نمی‌ماند. «ولا تفضحني على رؤوس الأشهاد»<sup>(۱)</sup> شهود آخرت با شهود این جهان متفاوت می‌باشند. شهود قلب و دل آدمی می‌باشد. دیگر فقط زبان سخن نمی‌گوید، بلکه دست و چشم و گوش به زبان می‌آیند. بالاتر از این خود دل به زبان می‌آید ﴿الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ

۱- بحار الأنوار، ج ۷، ص ۱۴۷.

وَتَكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿١﴾ امروز بر دهانشان مهر می‌نهمیم ، و دستهایشان با ما سخن می‌گویند و پاهایشان کارهایی را که انجام می‌دادند شهادت می‌دهند .

خوف از این است که این مدّعی دوستی در آن روز رسوا می‌شود . همان گونه که قبلاً اشاره شد ، یکی از اسامی روز رستاخیر « یوم الحسرة » می‌باشد . می‌توان گفت یکی از علل ترس از آن بعلت همین حسرت می‌باشد . حسرت به خاطر اعمال نیکی که نتوانسته به جا بیاورد و اکنون پاداش آن را که همانا نزدیک‌تر شدن به ذات اقدس ربوبی است ، بدست نیاورده و نیز حسرت بخاطر گناهایی که انجام داده و لذا یذ زودگذری که نتوانسته از آنها چشم‌پوشد و اکنون گرفتار مکافات آنها شده است . آیه شریفه می‌فرماید : ﴿ أَنْذَرَهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ ﴾ <sup>(۲)</sup> خداوند در این آیه از پیامبر می‌خواهد که مردم را از سرانجام حسرت برانگیز کارشان با خبر سازد . از آن روزی که همه چیز به پایان می‌رسد . وقتی کار از کار می‌گذرد و اهل بهشت به طرف بهشت رهسپار می‌شوند ، و اهل جهنم به طرف جهنم روانه می‌شوند ، آن روز همانا روز حسرت و تأسّف خوردن است .

در آیات دیگری نیز این کلمه به کار رفته است ﴿ يَا حَسْرَتَى عَلَىٰ مَا فَرَطْتَ فِي جَنبِ اللَّهِ ﴾ <sup>(۳)</sup> یعنی افسوس بر من از کوتاهی هایی که در اطاعت

۱ - سوره یس ، آیه ۶۵ .

۲ - سوره مریم ، آیه ۳۹ .

۳ - سوره زمر ، آیه ۵۶ .



خدا مرتکب شدم .

بنابر این فرض که ما واجبات را به جا آوریم و از محرّمات دوری کنیم .  
به راستی چگونه می توان به این عبادات دل خوش نمود ؟ آیا حقیقتاً این ترک  
محرّمات و انجام واجبات ، حسرت روز رستاخیز را برای ما از بین می برد ؟  
یکی از مبانی در خصوص روز قیامت ، تجسیم اعمال است . به عبارت  
دیگر در آن روز تمام کردار و رفتار ما اعم از نیک و بد در پیشگاه ما و خداوند  
متعال و دیگر شهود روز قیامت حاضر می گردند . نمازی که به جای آورده ایم و  
در آن به حدّ اقل ممکن اکتفا کرده ایم به چه صورتی نمایان می شود ؟  
انسان حسرت می خورد که چرا فرائض خود را به نحوه احسن و تمام و  
کمال بجا نیاورده تا اکنون که با آن رو به رو می گردد از دیدن آن شرمنده  
نباشد . از دیگر مواقف مشمول حسرت ، همین موقف می باشد . از تمام این  
حالات تأسّف بارتر آن است که افرادی به وسیله انسان ارشاد و راهنمایی شده  
باشند و یا در این دنیا از نظر ظاهری نسبت به انسان در مرتبه پایین تری  
باشند اما در آخرت آنها به علّت اعمال نیکشان در مرتبه بالاتری از انسان قرار  
بگیرند . بعنوان مثال همسر انسان که یار و همراه انسان است او به خاطر توجّه  
به وظایفش در آخرت در مرتبه اعلا قرار گیرد . این وضعیّت منتهای معنای  
یوم الحسره برای انسان می باشد .

در پایان آیه ۲۹ سوره مریم که به آن اشاره شد ، خداوند می فرماید :  
« آنگاه که کار به اتمام می رسد » یعنی آن زمان که حسرت انسان را فرا  
می گیرد ، دیگر راهی برای جبران این حسرت وجود ندارد . زیرا کار به پایان

رسیده وقتی انسان از دنیا رفت و همه آنچه که بر او پنهان بوده مکشوف شد، عرض می‌کند ﴿ رَبِّ ارْجِعُونِ \* لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ ﴾ جواب می‌آید ﴿ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴾<sup>(۱)</sup> یعنی که مرگ یکی از آنان فرامی‌رسد می‌گوید: پروردگار من! مرا باز گردانید؛ شاید در آنچه ترک کردم و کوتاهی نمودم عمل صالحی انجام دهم. ولی به او می‌گویند: چنین نیست! این سخنی است که او به زبان می‌گوید و اگر باز گردد، کارش همچون گذشته است؛ پشت سر آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند.

### انذار، چگونه؟

در آیات گذشته انذار به عنوان یکی از وظایف پیامبر بیان شد. در آیه ﴿ وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ ﴾<sup>(۲)</sup> «شایسته نیست مومنان همگی کوچ کنند؛ چرا از هر گروهی از آنان، طایفه‌ای کوچ نمی‌کند تا در دین و معارف اسلام آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود آنها را بیم دهند!»<sup>۱</sup> وظیفه انذار به عهده مومنین آشنا به معارف نیز گذاشته شده است. به عبارت دیگر علما موظف به انذار بندگان خدا از یوم الحسره، یوم التلاق و یوم الازفة می‌باشند.

۱ - سوره مؤمنون، آیه ۹۹ و ۱۰۰.

۲ - سوره توبه، آیه ۱۲۲.

برای انذار نباید به سخنانی که از مغز انسانها تراوش می‌کند و مشخص نیست چه نسبتی با وحی الهی دارد تکیه کرد.

علما موظف هستند تا مردم را به سر چشمه وحی و مفسران حقیقی آن متصل کنند، ساخته و بافته‌های بشری و مخلوق اذهان انسانها برای ارشاد و هدایت کارایی ندارد.

اقوال و افعال تمام کسانی که برای هدایت به وحی متصل نبوده‌اند، در تاریخ ذکر شده است. عاقبت این گونه افراد و فرقه‌ها روشن است. خداوند می‌فرماید این گونه افراد را اگر به وحی هم انذار کنید سودی نمی‌بخشد. حال اگر غیر وحی باشد که کاملاً تکلیف آن روشن است. ﴿سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾<sup>(۱)</sup> برای آنان تفاوت نمی‌کند که آنان را از عذاب الهی بترسانی یا نترسانی؛ ایمان نخواهند آورد.

### انذار نفس

اولین قدم برای انذار، انذار نفس است. شرط انذار هم فهم دین است. «من كان بالله أعرف كان من الله أخوف»<sup>(۲)</sup> هر که بیشتر می‌فهمد بیشتر می‌ترسد. «رأس الحكمة مخافة الله»<sup>(۳)</sup> انسان حکیم باید خائف باشد. بنابراین این غیر خائف، فاقد حکمت است، دست و مغزش تهی است. وضع کسی که

۱ - سورة بقره، آیه ۶.

۲ - بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۳۹۳، حدیث ۶۴.

۳ - مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۲۹، حدیث ۱۲۸۲۳.

هم مغزش و هم دستش تهی است، روشن است. ﴿يُؤْفُونَ بِالْأُذُنِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا﴾<sup>(۱)</sup> یعنی آنها به نذر خود وفا می‌کنند، و از روزی که شر و عذابش گسترده است می‌ترسند.

### خوف از عقوبت

آنچه که امام سجّاد علیه السلام در این عبارات می‌فرماید: «أترك بعد الإيمان بك تغذّبي أم بعد حبّبي إياك تبعديني أم مع رجائي لرحمتك و صفحك تحرمني» خوف دارای مراتبی است که یکی از مراتب آن خوف از عقوبت می‌باشد. این مرتبه از خوف مختصّ عوام است. عقوبت، ثمره عمل انسان است. اما آن خوفی که مختصّ اولیای الهی است، خوف از مکر است. ما ظاهراً خیلی آدم‌های خوبی هستیم. به واجبات و مستحبات ملتزم هستیم. از محرّمات و مکروهات پروا داریم اما آیا ایمن از مکر دنیا و مادیات شده‌ایم؟ خوف از مکر یعنی اینکه علیرغم تمام التزامات دینی، انسان یک لحظه دچار لغزش شود. لغزش هم مساوق نابودی است. یک کوتاهی موجب سقوط انسان و هبوط اعمال می‌شود. ﴿كَرَّمَا اِسْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَأَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَىٰ شَيْءٍ﴾<sup>(۲)</sup> اعمال کسانی که به خدا کافر شدند، همچون خاکستری است در برابر تند باد در یک روز طوفانی؛ آنها توانایی ندارند کمترین چیزی از آنچه را انجام داده‌اند به دست آورند.

۱ - سوره انسان، آیه ۷.

۲ - سوره ابراهیم، آیه ۱۸.

به ظاهر اعمال زیادی را جمع آوری کرده است اما به تعبیر قرآن تمام این اعمال مانند کوهی از خاکستر در مقابل باد می‌باشند. اعمالی که بعد از آن یک لغزش اساسی صورت گرفته است فاقد کیفیت لازم برای رستگاری انسان است.

بنابر این کثرت اعمال ملاک نیست. کیفیت اعمال مهم است. و اعمالی دارای کیفیت است که همراه با خلوص نیت باشد. به عبارت دیگر نمازی که انسان از روی عادت می‌خواند معراج مومن نیست. نمازی که انسان از خواندن آن لذت نبرد فاقد کیفیت لازم برای رستگاری حقیقی است.

در حالات رسول الله ﷺ این گونه نوشته‌اند که وقتی حضرت از مجالست و مذاکره با مردم خسته می‌شد؛ می‌فرمود: «ارحنا یا بلال» ای بلال؛ با بانگ اذان روح و جان مرا آسوده کن و آرامش بده. آن کسی که صدای اذان نوازشش می‌دهد، نماز او را به معراج می‌برد، نماز بین او و همه مخلوقات انقطاع ایجاد می‌کند؛ نماز او قیمتی است و باقی می‌ماند.

اما بقیه اعمال که فاقد کیفیت هستند ﴿كَرَّمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ﴾ ﴿كَسْرَابٍ بَقِيَعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمَانُ مَاءً﴾<sup>(۱)</sup> مانند سراب باعث می‌شوند انسان تصور نماید عملی را ذخیره کرده در حالی که هیچ عملی در کار نمی‌باشد.

در آیه شریفه فرمود: ﴿يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ﴾<sup>(۲)</sup> گمان

۱ - سوره نور، آیه ۳۹.

۲ - سوره نبا، آیه ۴۰.

می‌کنیم اعمالی را فرستاده‌ایم. خوف اصلی از این مسئله است که انسان اعمالی که فرستاده همگی بی کیفیت باشند. «إِنَّ مِنَ الْعِبَادَةِ شِدَّةَ الْخَوْفِ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ»<sup>(۱)</sup> اصلاً نفس خوف عبادت است. چرا؟ چون خائف ولو از عقوبت خائف نباشد، گناه نمی‌کند. خائف مکروه مرتکب نمی‌شود؛ زیرا می‌ترسد عمل او مکروه و مبعوض خدا باشد. آنان که به مرتبه خوف می‌رسند واقعاً در هر حال خود را در حضور ذات اقدس ربوبی می‌بینند. لذا اعمال مکروه را هم انجام نمی‌دهند.

مراتب در خوف بسیار است و آنچه که امام سجاد ع می‌فرمایند این است که خدایا من از همه این احتمالات می‌ترسم. با اینکه من ایمان دارم و سزای ایمان بهشت است اما باز هم از جهنم در هراس هستم. سزای دوستی خالصانه، قرب و وصال است اما باز هم از بعد و فراق می‌ترسم. با اینکه همه وجودمان مملو از امیدواری است اما به خاطر ناتوانی‌های خودمان از حرمان و محرومیت می‌ترسم. با اینکه در واقع دست به ذیل عنایت و عفو تو دراز کرده‌ایم اما باز هم می‌ترسیم.

ولی به محضر خدا عرض می‌کنیم: «حاشا لوجهک الکریم!» آری در مقابل این بیم‌ها و این اعمال اندک، بی بضاعتی و کوله باری از معاصی و نافرمانی، خدای کریمی است که باید همواره به رحمت او چشم دوخت زیر تمامی این اعمال در مقابل یک کریم می‌باشد.

۱- وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۲۰، حدیث ۲۰۳۲۶.

شخصی مشغول نماز خواندن بود، بسیار سریع و بی توجه نماز می خواند به او گفتند: مگر نمی خواهی روز قیامت در مورد نماز خود به خداوند پاسخگو باشی؟ گفت: چه کسی در روز قیامت به حساب رسیدگی می کند؟ مگر عمل من در مقابل یک کریم نیست؟ پس هر چه باشد چون در مقابل یک رحمان و رحیم است، می پذیرد.

کرامت او بی حساب است کرامت الهی یک اقیانوس لا یتناهی است. خدا یا تو کریمی و ما را محروم نمی نمایی. کریم ملتجی را رد نمی کند و دست رد بر سینه گدا نمی زند.

در روایت توصیه شده که اگر متکدی نزد شما آمد و شما می دانید او نیازمند نیست علی رغم عدم اهلیت او سؤال او را با کرامت خود پاسخ بگوئید. یعنی هر چند او قابل نمی باشد، اما این گونه سفارش شده ایم که کریمانه برخورد نمائیم.

حالا خدا که خود این گونه دستور داده، آیا سزاوار است که او این گونه نباشد؟ «أن تأمر بالسؤال وتمنع العطيّة» خداوند آیا ممکن است تو ما را به گدایی در خانه خود بخوانی اما از اجابت سرباز زنی؟

«وفقنا الله وإياكم انشاء الله»

(۱۳۸۴/۹/۹)

علما موظف به انذار بندگان خدا از يوم  
الحسره، يوم التلاق و يوم الازفة  
می باشند.

برای انذار نباید به سخنانی که  
از مغز انسانها تراوش می کند و  
مشخص نیست چه نسبتی با وحی الهی  
دارد تکیه کرد.

علما موظف هستند تا مردم را  
به سر چشمه وحی و مفسران حقیقی آن  
متصل کنند، ساخته و بافته های بشری  
و مخلوق اذهان انسانها برای ارشاد و  
هدایت کارایی ندارد.

#### محل برگزاری جلسات :

چهار راه شهدا - خیابان معلم - کوچه معلم ۱۴ - پلاک ۸

تلفن ۷۷۳۲۳۶۷ و ۷۷۴۹۱۶۰ نمابر: ۷۷۴۳۹۱۹



